

فرهنگ جامع فارسی میانه - فارسی نو

مقدمه: زبان فارسی دری بازمانده زبان فارسی میانه و فارسی باستان است، بنابراین شناخت ریشه واژه‌ها و پیشینه زبان فارسی دری منوط به شناسایی و پژوهش درباره زبان فارسی میانه است. شناخت این پیشینه، برای مطالعه زبان فارسی و قدرت بالقوه آن در واژه‌یابی و واژه‌گزینی ضرورت دارد و به بازخوانی متون قدیمی فارسی کمک بسیار می‌کند.

برای مطالعه هر زبان، نخستین و مهم‌ترین ابزار برای هر پژوهشگر، فرهنگی است که اطلاعات مورد نیاز، مانند معنیهای گوناگون، اصطلاحها و به‌ویژه ارجاعات متنی هر واژه را در بر داشته باشد. از این رو فراهم کردن و انتشار فرهنگی جامع برای زبان فارسی میانه، که امکان بررسی بیشتر هر واژه را با ارجاع به کاربرد آن در متن ممکن سازد، امری ضروری است.

فرهنگ‌نویسی در زبانهای هندوایرانی و ایرانی باستان سابقه‌ای طولانی دارد. از زبان کاسی و میتانی که از زبانهای هندوایرانی‌اند و از زبانهای فارسی میانه، خوارزمی، بلخی، ختنی و سُغدی که از زبانهای ایرانی میانه به شمار می‌آیند، واژه‌نامه‌هایی باقی مانده است (بختیاری، ۱۳۸۰: ۲۶-۱۹). واژه‌نامه موضوعی منظوم به زبان سنسکریت منسوب به سده چهارم (یا ششم) میلادی به نام *amarakośa* (گنج نامیرا) تألیف دانشمند بودایی به نام امر سیمه سه فصل دارد: ۱- آسمان و غیره؛ ۲- زمین و غیره؛ ۳- عمومی شامل واژه‌ها و اصطلاحات مربوط به دستور زبان و واژه‌های متفرقه.

پیشینه فرهنگ‌نویسی برای واژه‌های فارسی میانه به دوره تألیف نهایی نوشته‌های این زبان یعنی سده سوم و چهارم هجری و حتی پیش از آن بازمی‌گردد. در میان آثار فارسی میانه، دو

فرهنگ به نامهای فرهنگ پهلوی (MP. Frahang ī pahlawīg) و فرهنگ اویم ایوک (MP. Frahang ī ōim) باقی مانده است. فرهنگ پهلوی مشتمل بر واژه‌های دشوار پهلوی و هُزوارشها یا واژه‌های آرامی‌الاصل است؛ گردآورنده این فرهنگ، این واژه‌ها را با معادل پهلوی آنها و گاه تلفظ واژه‌های دشوار گردآوری کرده است و در دوره‌های بعد کاتبان کلمات دشوار را به خط اوستایی یا فارسی آوانویسی کرده و در زیر واژه افزوده‌اند. فرهنگ اویم شامل واژه‌ها و عبارات اوستایی و ترجمه آنها به زبان رایج آن دوره یعنی زبان فارسی میانه است. طبقه‌بندی واژه‌ها در این فرهنگ بر حسب موضوع و مطابق با سنتی قدیمی است که از دوران اکدی وجود داشته است. برای نمونه موضوع فصل یکم تا دهم فرهنگ پهلوی عبارت‌اند از: جهان برین، گیتی، آبها، میوه‌ها، خوردنیها، گیاهان، چهارپایان، مرغان، حیوانات و اندامها (تفضلی، ۱۳۷۸: ۳۲۱-۳۲۴).

فرهنگ جامع فارسی میانه

فرهنگ جامع فارسی میانه، فرهنگی زبان‌شناختی (در مقابل دایرةالمعارفی) و دوزبانه خواهد بود (برای اطلاعات بیشتر راجع به تعریف «فرهنگ» ← شریفی، ۱۳۸۶: ۱۰۱-۱۰۴؛ هاشمی میناباد، ۱۳۸۶: ۳۷-۵۱) که شامل واژه‌های نه کتاب متون فارسی میانه، آوانویسی، توضیحات معنایی و ارجاعات متنی واژه‌ها است. این فرهنگ از جهت گستره تاریخی، حدوداً متعلق به سده سه تا هفت میلادی است. زبان فارسی میانه (پارسیگ) زبان رایج دوره ساسانیان است. اردشیر بابکان در سال ۲۲۴ میلادی سلسه ساسانیان را تأسیس کرد که تا سال ۶۵۱ میلادی بر سرزمین ایران مسلط بود. گستره جغرافیایی این زبان در سرزمین ایران کنونی و قسمتی از نواحی شمالی و شرقی آن بوده است. رساله‌ها و متنهایی که به زبان فارسی میانه در دست است، بیشتر در سده‌های نخستین دوره اسلامی (به‌ویژه سده‌های سوم و چهارم هجری) تدوین شده‌اند. همه این آثار مبتنی بر روایات و سنتهای دینی، ادبی، کتبی، و شفاهی زردشتیان در دوران ساسانی است. این متنها عبارت‌اند از واژه‌نامه‌ها، ترجمه‌ها، و تفسیرهای اوستا، دانشنامه‌های پهلوی، متون فلسفی و کلامی، متون مبتنی بر الهام و پیشگویی، رساله‌های مربوط به قوانین دینی و حقوقی، اندرزنامه‌ها، رساله‌های کوچک تعلیمی، و متنهای تاریخی و حماسی. (تفضلی، ۱۳۷۸: ۱۲).

با توجه به اینکه این فرهنگ به زبانی تعلق دارد که اکنون گویشور زنده ندارد، نمی‌توان برای آن مخاطب عام تعریف کرد؛ بنابراین مخاطبان و کاربران این فرهنگ، گروه خاصی از جامعه، شامل دانش‌آموختگان رشته‌های فرهنگ و زبانهای باستانی، زبان‌شناسی، قوم‌شناسی، مردم‌شناسی،

زبان و ادبیات فارسی، گویش‌شناسی و ... هستند. گروه واژه‌گزینی فرهنگستان یکی دیگر از کاربران مهم این فرهنگ است که به کمک آن می‌تواند از توان بالقوه زبان فارسی میانه در واژه‌یابی و واژه‌گزینی برای زبان فارسی امروز بهره گیرد.

پیکره فعلی این فرهنگ شامل نه کتاب با نام‌های زند بهمن‌یسن (پژوهش از محمدتقی راشد محصل)، روایت پهلوی (پژوهش از مهشید میرفخرایی)، وزیدگیهای زادسپرم (پژوهش از محمدتقی راشد محصل)، ماتیکان یوشت فریان (پژوهش از مهشید میرفخرایی)، ارداویرافنامه، شایست ناشایست به تصحیح داور و کوتوال، کارنامه اردشیر بابکان، متنهای پهلوی (مشمول بر ۱۵ متن) و مینوی خرد است که درباره هر یک به توضیحی کوتاه بسنده می‌کنیم:

۱. زند بهمن یسن، متنی است که حوادث جهان را پیشگویی کرده است. تقسیم جهان به چهار و هفت دوره، حوادث پایان هزاره زردشت، شرح مصیبت‌هایی که بر جهان و به ویژه بر دین زردشتی خواهد رسید و حوادث هزاره اوشیدر، اوشیدر ماه و سوشیانس بخشی از مطالب این متن است. از زند بهمن یسن پهلوی سه نسخه قدیمی در دست است: K20، K43 و DH (تفضلی، ۱۳۷۸: ۱۷۰-۱۷۲). برای تدوین فرهنگ فارسی میانه از نسخه تصحیح شده انکلساریا (Anklesaria, B.T. 1957. *Zand-i Vohuman Yasn and two pahlavi fragments with text*. Bombay) استفاده شده است.

۲. روایت پهلوی، مجموعه‌ای از روایات پهلوی است که در نسخه‌های خطی همراه با متن دادستان دینی آمده است و متضمن مطالب گوناگونی از جمله: آیین‌های دینی، روابط اجتماعی، اندرز و مطالب اخلاقی، اسطوره و باورهای عامیانه است. از این متن سه نسخه قدیمی و چند نسخه جدیدتر در دست است که از این میان، نسخه‌های K35، BK از همه کامل‌تر است (تفضلی، ۱۳۷۸: ۱۵۳-۱۵۶). برای فرهنگ فارسی میانه از نسخه‌ای که دابار ویرایش کرده (Dhabhar, B.N. 1913. *The Pahlavi Rivâyat*. Bombay) استفاده شده است.

۳. وزیدگیهای زادسپرم، متنی است که توسط زادسپرم، پسر گشن‌جم، در قرن سوم هجری تالیف شده است و دارای چهار بخش اصلی است: آفرینش آغازین، تاریخ دین، ترکیب آدمی از تن و جان و روان و چگونگی وظایف اندام‌های داخلی بدن و بخش آخر درباره حوادث پایان جهان و رستاخیز. از این متن سه نسخه در دست است: K35، BK و TD

(تفضلی، ۱۳۷۸: ۱۴۵-۱۴۹). انکلساریا متن وزیدگیهای زادسپرم را ویرایش کرده است (Anklesaria.B.T. 1964. *Vichitakiha- i Zatasparam. Bombay*) که از آن برای فراهم آوردن پیکره فرهنگ فارسی میانه استفاده شده است.

۴. ماتیکان یوشت فریان، مجموعه سی و سه پرسش آخت جادوگر از یوشت فریان، یکی از پیروان دین زردشتی است و می‌توان آن را تنها متن پهلوی به شمار آورد که مضمون آن چیستان است. از این رساله سه نسخه مهم باقی مانده است: K20، K26 و H6 (تفضلی، ۱۳۷۸: ۲۵۱-۲۵۵).

۵. ارداویرافنامه، کتابی است درباره معراج دین‌مردی به نام ویراز (بنا به قرائت سنتی: ویراف) که هفت روز به بهشت و دوزخ و برزخ سفر کرد و پس از بازگشت آنچه را دیده بود، شرح داد و دبیری آنها را نوشت. این کتاب در گروه متونی با مضمون الهام و پیشگویی قرار دارد. ارداویرافنامه به نثری ساده نوشته شده و در گذشته آن را به پازند نیز تحریر و به سنسکریت و گجراتی ترجمه کرده‌اند و به نثر و نظم فارسی برگردانده‌اند. تحریر نهایی نسخه فارسی میانه احتمالاً در قرن چهارم یا پنجم هجری انجام شده است. از میان نسخه‌های ارداویرافنامه، سه نسخه از همه قدیمی‌تر است: نسخه K20، K26 و H6 (= M51) (تفضلی، ۱۳۷۸: ۱۶۷-۱۶۹). برای این فرهنگ از متنی که جاماسب آسا تصحیح کرده (JamaspAsa, J., 1902, *Arda-VirafNameh, Bombay*)، استفاده شده است.

۶. شایستناشایست (= آنچه شایسته است و آنچه ناشایسته است)، در گروه کتابهایی قرار دارد که متضمن مطالب فقهی‌اند و با توجه به نثر صحیح کتاب، احتمالاً در اواخر دوره ساسانی تألیف شده است. در این کتاب مطالب متنوعی درباره آیینها و مناسک دینی، درجه‌های گناهان و میزان تاوان آنها و همچنین ثوابها و قانونهای دینی آمده است و بخشی مفصل به ناپاکی و قوانین تطهیر اختصاص داده شده است. از شایستناشایست دو نسخه اصلی وجود دارد: یکی نسخه K20 و دیگری نسخه M51 (تفضلی، ۱۳۷۸: ۲۷۹-۲۸۱). برای این فرهنگ، از نسخه تصحیح‌شده داور (Davar, M. B., 1912, *ŠāyastLā-Šāyast, Bombay*) و کوتوال (Kotwal, F. M. 1969, *The Supplementary Texts to the ŠāyestnaŠāyest, Bombay*) استفاده شده است.

۷. کارنامه اردشیر بابکان، تاریخی است آمیخته با افسانه درباره اردشیر که احتمالاً در اواخر دوره ساسانی و براساس روایت‌هایی قدیمی‌تر تدوین یافته است. در این کتاب

داستان اردشیر و به پادشاهی رسیدن او روایت می‌شود. از کارنامه اردشیر بابکان تنها یک نسخه قدیمی در دست است و آن نسخه MK است؛ نسخه‌های دیگر، از جمله JJ، همه از روی این نسخه استنساخ شده‌اند. این متن در گروه متون حماسی و تاریخی قرار دارد (تفضلی، ۱۳۷۸: ۲۶۰-۲۶۴). برای فرهنگ فارسی میانه از نسخه تصحیح شده آنتیا (Antia, E. K., 1900, *Kārnamag ī Ardašīr ī Pābagān*, Bombay) استفاده شده است.

۸. متنهای پهلوی، مجموعه‌ای است مشتمل بر تعدادی اندرنامه و متون ادبی مستقل دیگر. نام این متون به این ترتیب است: اندرز آذرباد مهرسپندان، اندرز خسرو قبادان، اندرز بهزاد فرخ‌پیروز، خیم و خرد فرخ‌مرد، پنج خیم روحانیان، داروی خرسندی، رساله روزها، اندرنامه‌های کوچک، درخت آسوری، یادگار زیران، شگفتیها و برجستگیهای سیستان، گزارش شطرنج و وضع نرد، سورسختن، ماه فروردین روز خرداد، و آیین نامه‌نویسی. متنهای پهلوی در مجموعه MK جمع‌آوری شده است. برای تدوین فرهنگ فارسی میانه از نسخه‌ای که جاماسب‌آسانا (Jamasp Asana, J. M., 1897, *Pahlavi Texts*, Bombay) تصحیح و ویرایش کرده، استفاده شده است.

۹. دادستان مینوی خرد (احکام و آرای روح عقل)، کتابی است با یک مقدمه و ۶۲ پرسش و پاسخ که مجموعاً ۶۳ فصل کتاب را تشکیل می‌دهد. این متن از اندرنامه‌ها به شمار می‌رود؛ زیرا در آن اندرزه‌های بسیاری آمده و خرد ستوده شده است. در این کتاب پرسشها از زبان شخصیتی نمادین که «دانا» نامیده شده است، مطرح می‌شود و «مینوی خرد» به سؤالاها پاسخ می‌گوید. نسخه K43 قدیم‌ترین نسخه خطی موجود است. اما این نسخه کامل نیست و برگه‌هایی از آن از دست رفته است. نسخه دیگری از کتاب به نشانه TD2 در اختیار تهمورث انکلساریا بوده که در چاپ خود آن را با نسخه K43 مقابله کرده است (تفضلی، ۱۳۷۸: ۱۹۶-۲۰۱). برای تدوین فرهنگ فارسی میانه از متن تصحیح شده انکلساریا (Anklesaria, T. D., 1913, *Dānāk-u Mainyō-i Khrad*, Bombay) استفاده شده است.

خردساختار فرهنگ فارسی میانه

در روشهای جدید فرهنگ‌نویسی، برای هر فرهنگ دو ساختار پایه‌ای قائل می‌شوند: یکی کلان‌ساختار که شامل سه بخش پیشین (مانند عنوان، فهرست، پیشگفتار، شیوه کار، روش کاربری، و توضیحات دستوری)، میانی (مدخلها همراه با شرح و تصویر و دیگر توضیحات) و پایانی

(مانند پیوستها، نشانه‌ها، و نمایه‌ها) است و دیگری خردساختار که شامل اطلاعات جزئی درباره سرمدخل (مانند املائی واژه، آوانویسی، دستور، توضیحاتی درباره معنا و کاربرد واژه و ریشه‌شناسی) است (Hartman, 1998: 92-94). خردساختار هر فرهنگ به منزله واحد بنیادین آن است و آن را «واحد واژگانی» نیز نامیده‌اند (هاشمی میناباد، ۱۳۸۶: ۱۲-۱۳). خردساختار فرهنگ فارسی میانه، مشتمل بر دو نوع مدخل است: مدخل کامل و مدخل صفر.

الف. مدخل کامل در فرهنگ فارسی میانه، مدخلی است که ذیل آن تمام اطلاعاتی که برای هر واژه استخراج شده است، ثبت می‌شود. این اطلاعات شامل سرواژه به خط فارسی میانه، آوانویسی سرواژه، توضیحات معنایی، ارجاع به مدخلهای دیگر، ارجاع به متن فارسی میانه با ذکر شماره صفحه و سطر است. مدخل کامل شامل اسم و صفت (اعم از ساده و مرکب و عبارت)، ضمیر، حرف و فعل است که درباره هر یک به تفصیل توضیح داده می‌شود. البته لازم به یادآوری است که در فرهنگ مقوله اسم و صفت ... مشخص نشده و فقط به صورت واژه بررسی شده است.

ب. مدخل صفر در فرهنگ فارسی میانه، مدخلی است که ذیل آن به مدخل کامل ارجاع داده می‌شود و اطلاعات دیگری درباره واژه داده نمی‌شود. در این فرهنگ لغتهای زیر به صورت مدخل صفر تعریف شده‌اند:

۱. واژه‌هایی که در متن فارسی میانه تصحیح شده‌اند، با ذکر شماره صفحه و سطر متن فارسی میانه به واژه درست و مدخل کامل ارجاع داده می‌شود.

مثال: کوه (م. پ ۵/۱۵۰) ← سوه

در مثال بالا، واژه اول صورت نادرست کلمه است که در متن آمده، عبارت داخل پرانتز اشاره به متن پهلوی با علامت اختصاری و شماره صفحه و سطر است، علامت ← به معنای رجوع کنید و واژه آخر صورت درست و مدخل کامل فرهنگ است.

نکته: اگر واژه تصحیح شده، صیغه فعل باشد پس از ارجاع به مصدر، صورت درست صیغه فعل در پرانتز آورده می‌شود.

مثال: کلس (گ. ز ۲/۵۶) ← کلس (۱. کلس)

۲. تمامی گونه‌های املائی هر سرواژه که در پیکره فرهنگ وجود دارد، جداگانه مدخل و ذیل هر یک به سرواژه کامل ارجاع داده می‌شود.

مثال: کسد ← کسر/کسد

۳. جزء دوم به بعد در واژه‌های مرکب، اعم از اسم، صفت، و فعل مدخل می‌شود و ذیل آنها به مدخل کامل ارجاع داده می‌شود. اگر جزء دوم واژه‌های مرکب به‌طور مستقل در متن پهلوی به‌کار رفته باشد، به‌صورت مدخل کامل تعریف می‌شود و ارجاع به واژه مرکب ذیل آن می‌آید. (← همین مقاله، انواع مدخلهای فرهنگ فارسی میانه، اسم، نکته ۲)

مثال: کسرووید ← 𐭪𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥

۴. ماده مضارع فعلها، اگر در متون به‌کار رفته باشد، به مصدر فعل ارجاع داده می‌شود. ماده مضارع فعلها با خط تیره در پایان واژه مشخص شده‌اند.

مثال: کپ- ← 𐭪𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥 / 𐭪𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥

نکته: هرگاه ماده مضارع دو فعل، صورت املائی مشابه داشته باشند، ذیل ماده مضارع به هر دو مصدر ارجاع داده می‌شود.

مثال: س- ← 𐭪𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥 ، 𐭪𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥

ویژگیهای مدخل کامل در فرهنگ فارسی میانه

همان‌گونه که قبلاً اشاره شد ذیل مدخل کامل، اطلاعاتی که از پیکره فرهنگ استخراج شده است، ثبت می‌شود، که شامل ویژگیهای املائی واژه، آوانویسی، توضیحات معنایی، ارجاع به مدخلهای دیگر، و ارجاع به متن فارسی میانه با ذکر شماره صفحه و سطر است.

الف) ویژگیهای املائی

در این فرهنگ، املائی سرواژه‌ها با خط فارسی میانه کتابی نوشته می‌شود که خطی است متصل و برای نوشتن کتابها و نوشته‌های پهلوی به‌کار رفته است و چهارده حرف اصلی دارد. ترتیب حرفهای فارسی میانه عبارت است از:

𐭪 / h , / ' , / b / 𐭪 , / 𐭥 / 𐭥 , / d / 𐭥 , / y , g , / 𐭥 , / w , r , n / 𐭥 , / z / 𐭥 , / 𐭥 / 𐭥 , / K , k / 𐭥 , / 𐭥 / 𐭥 , / L , l / 𐭥 , / m / 𐭥 , / 𐭥 / 𐭥 , / s / 𐭥 , / p / 𐭥 , / c / 𐭥 , / 𐭥 / 𐭥 , / 𐭥 / 𐭥 (تفضلی، ۱۳۷۳: ۳۹-۴۳)

چند نکته:

ش. ک ۱۷/۱۶، ۷/۲۳

ahunawad-gāh

س ۱۴۱ سو

اهنودگاه، نخستین روز از پنجه و پنج روز آخر سال. نیز ← س ۱۴۱

گ. ز ۶/۱۵۷ و ۱۱

نکته ۴. تفاوت در الفک پایانی دو واژه، با علامت / نشان داده می‌شود، و هرگاه تفاوت دو واژه در الفک میانی باشد، هر دو املا در سرواژه آورده می‌شود و تصحیح در واژه انجام نمی‌شود.

zēndān

مثال: ک ۱۴۱ / ک ۱۴۱

زندان ← ک ۱۴۱

ر. پ ۳/۱۳۸؛ ک. ا ۲/۴۲؛ گ. ز ۱۲/۱۷، ۶/۱۲۶؛ م. پ ۷/۲۳

نکته ۵. به دلیل نسخه‌برداریهای متعدد از متون پهلوی، گاهی در نگارش بعضی از حرفهای پهلوی تغییراتی ایجاد شده است. برای نمونه **وو** به جای **وو** و **وو** به جای **وو** و **وو** به جای **وو** به کار رفته است. تمامی این تفاوتها در سرواژه حفظ شده است.

harwisp

مثال: سل وو / سل وو

همه، هرگونه، هر، سراسر، یکسره

ا. ن ۱۵/۹، ۳/۱۹؛ ش. د ۱/۵۵؛ ش. ک ۱۸/۳۹ و ۱۹

harwispān

سل وو / سل وو

همه، همگان

م. خ ۱/۱۳۸ و ۳، ۸/۱۶۸

نکته ۷. در ترتیب قرارگیری مدخلهایی که املاهای آنها یکسان است، نخست مدخل کامل و سپس مدخل صفر آورده شده است؛ اگر تعداد مدخلهای کامل بیش از یکی بود، نخست واژه‌هایی که ترکیبهای کمتری دارد، آورده شده است و اگر مدخلهای صفر بیش از یک مدخل بود، گونه‌های املاهای پیش از واژه‌های تصحیح‌شده قرار گرفته است.

xān

مثال: س ۱۴۱

خان، منزل، کاروانسرا

ا. ن ۹/۷۰

۱۳۳۰ ← ۱۳۳۰ / ۱ / ۱۳۳۰ / ۱۳۳۰

۱۳۳۰^۳ (ب.ا. ۸/۹۰) ← ۱۳۳۰

ب. آوانویسی

فرهنگ فارسی میانه واژه‌نامه‌ای است دوزبانه که ترجمهٔ واژه‌های زبان پهلوی را که اکنون زبانی مرده به شمار می‌رود، به زبان فارسی نو ارائه می‌دهد. آوانویسی واژه‌های این زبان کاری دشوار است؛ زیرا برای تعیین تلفظ دقیق هر واژه باید تمامی شاهد‌های تطبیقی در متون موجود بررسی شود. برای آوانویسی زبان فارسی میانه روش‌های مختلفی وجود دارد که مشهورترین آنها روشی است که نیبرگ و مکینزی به کار برده‌اند. در این فرهنگ از روش آوانویسی مکینزی پیروی شده که بر اساس نظام آوایی زبان مانوی پایه‌ریزی شده است؛ گرچه گاهی با توجه به همان شاهد‌هایی که پیش‌تر ذکر شد، آوانویسی برخی واژه‌ها با آنچه در فرهنگ کوچک زبان پهلوی تألیف مکینزی آمده است، تفاوت دارد.

چند نکته:

نکتهٔ ۱. در این واژه‌نامه، تنها برای مدخل‌های کامل آوانویسی داده شده است و مدخل‌های صفر آوانویسی ندارند. برای هر واژه یک آوانویسی داده شده است، مگر مواردی که تردیدی در قرائت واژه وجود داشته باشد، که در این صورت آوانویسی‌ها با علامت / از یکدیگر جدا شده‌اند.

zešt / zišt

مثال: کیس ۱/۳۰

زشت، نازیبا

ر. پ ۸/۴، ۷/۶۶، ۶/۸۷؛ م. خ ۹/۳۰

نکتهٔ ۲. هرگاه واژه مرکب، از ترکیب اسم یا صفت با مادهٔ مضارع ساخته شده باشد، در آوانویسی بین دو جزء واژه، - گذاشته می‌شود. مثال: gēhān-ārāy به معنی «جهان‌آرای».

نکته ۳. هرگاه واژه مرکب، از ترکیب دو اسم ساخته شده باشد، در آوانویسی به - نیازی نیست. مثال: āxwarsālār به معنی «آخورسالار».

پ. توضیحات معنایی

معنی واژه‌ها براساس معنای آنها در متون آورده شده است؛ هرگاه واژه‌ای در چند متن آمده و دارای چند معنی باشد، تمام معانی با شماره آورده می‌شوند.

مثال: **سپد** pas

۱) پس، آن‌گاه، سپس، بعد، دیر، بازهم، بنابراین (با ضمیرهای متصل و ادات تأکید نیز می‌آید)؛ ۲) پشت، بخش پشتی پیراهن و سدره. نیز ← **سپد کو سپه، سپد ک، سپد ک**

س، اسپد، اسپد، سپد، رسپد، اسپد

ا. ن ۱۶/۲، ۷/۳؛ ب. ی ۳/۲، ۷/۵۱، ۶/۷۷؛ ر. پ ۶/۴، ۱۸/۱۴، ۷/۳۴، ۶/۱۱۶، ۱۲/۱۷۲؛ ش. د ۱۰/۲، ۲/۱۲، ۶/۱۷، ۱۵/۲۳ و ۱۴/۳۵، ۳/۳۰، ۱۴/۳۵، ش. ک ۱۸/۴؛ گ. ز ۱/۱۰، ۱۳/۳۴؛ م. پ ۸/۱، ۸/۱۳ و ۸/۳۶؛ م. خ ۸/۲۶؛ ی. ف ۴/۲۸

در ترتیب معنایی، رسا بودن معنی و شباهت آن به واژه فارسی میانه در اولویت قرار دارد و اگر واژه فارسی میانه، معنایی نزدیک به فارسی زردشتی داشته باشد، اول همان معنی آورده می‌شود.

مثال: **سپرو** xānīg

خانی، خان‌آب، چشمه. نیز ← **سپرو سپرو سپرو سپرو سپرو**

ا. ن ۷/۲۳؛ ب. ی ۱/۳۶، ۹/۳۰؛ ر. پ ۵/۸۱، ۱۴/۲۰۱ (م. سپرو)، ۷/۲۰۵؛ ش. ک ۴/۲ و ۴/۱؛ گ. ز ۱۲/۸۷؛ م. پ ۲/۱۱۴

ت. ارجاع

در این واژه‌نامه دو گونه ارجاع در مدخل کامل دیده می‌شود:

ارجاع به مدخلهای دیگر واژه‌نامه که برای تکمیل توضیحات املائی، آوانویسی، و معنایی آورده می‌شود؛

ارجاع به صفحه و سطر تمام متونی که واژه مورد نظر در آنها آمده است. این فرهنگ را به سبب داشتن این ویژگی می‌توان واژه‌نامه‌ای بسامدی به شمار آورد. همان‌طور که پیش از این آمد، برای این واژه‌نامه نه متن در نظر گرفته شده است که برای هریک از آنها علامت اختصاری تعیین شده است که عبارت است از: ان برای ارداویراف‌نامه، ب.ی برای زند بهمن‌یسن، ر.پ برای روایت پهلوی، ش.د برای شایست و ناشایست داور، ش.ک برای شایست و ناشایست کوتوال، ک.ا برای کارنامه اردشیر بابکان، گ.ز برای گزیده‌های زادسپرم، م.پ برای متنهای پهلوی، م.خ برای مینوی خرد، ی.ف برای یوشت فریان.

انواع مدخلهای فرهنگ فارسی میانه

الف. اسم

در این واژه‌نامه تمامی اسمهای ساده و مرکب به‌صورت مدخل کامل تعریف شده‌اند. (بار دیگر یادآور می‌شود، در فرهنگ فارسی میانه - فارسی نو مقوله‌های دستوری نیامده است و در اینجا فقط برای توضیح روش کار، نام این مقوله‌ها ذکر شده است.)

zēn

مثال: ۱/۴۵

زین، سلاح، ابزار جنگ؛ زین و تجهیزات اسب. نیز ← ۱۱۴۱۹، ۱۱۴۲۰
ب.ی ۷/۱۷، ۸/۴۵، ۲/۵۶؛ ک.ا ۱۳/۲۷؛ م.پ ۱۱/۱۰، ۴/۱۱۲؛ م.خ ۵/۱۲۵

zēnabzār

کپ ۱۴۱ بره‌کسد / کپ ۱۴۲ بره‌کسد

زین‌ابزار، سلاح و اسلحه

ان ۱۳/۲۱؛ ش.ک ۲/۵ (م. کپ ۱۴۱ بره‌کسد، ضبط دستنویس F: ... بره‌کسد، ضبط K: ۶/۳۲۵

کپ ۱۴۲ بره‌کسد؛ ک.ا ۱۳/۲۷؛ گ.ز ۶/۸۷؛ م.پ ۵/۱۱۲ (م. و.پ ۱۱۴۱ کسد)، ۶/۱۲۴

ذیل مدخلهای این واژه‌نامه، به صورت جمع اسمها اشاره نشده است، به جز مواردی که بخشی از یک ترکیب باشد یا معنایی غیر از جمع اسم داشته باشد.^۱

مثال: **𐭥𐭥𐭥𐭥** ← **𐭥𐭥𐭥𐭥** و **𐭥𐭥𐭥𐭥**

zīndagān

𐭥𐭥𐭥𐭥 / **𐭥𐭥𐭥𐭥**

زندگانی، حیات، زنده بودن. نیز ← **𐭥𐭥𐭥𐭥** **𐭥𐭥𐭥𐭥**، **𐭥𐭥𐭥𐭥** / **𐭥𐭥𐭥𐭥** ~ **𐭥𐭥𐭥𐭥**
 ان. ۱۵/۹، ۱۳/۵۶، ۷/۷۲؛ م. پ ۱۲/۱۲۲؛ ی. ف ۱/۲۱۲، ۵/۲۱۴، ۵/۲۱۵ و ۱۱، ۵/۲۱۷

چند نکته:

نکته ۱. هرگاه اسمی خاص، هم کاربرد عام داشته باشد و هم کاربرد خاص، در دو مدخل جداگانه آورده شده است، اما بعضی از اسمهای خاص، مانند اسم ستاره و ایزد و روز هرچند از هم متمایزند، از آنجایی که تفکیک معنایی آنها در متون ممکن نیست، در یک مدخل به همه معنیهای گوناگون آنها اشاره شده است.

ohrmazd

مثال: **𐭥𐭥𐭥𐭥**

(۱) اهورامزدا، اورمزد، هرمزد، خدا؛ (۲) نام روز اول ماه؛ (۳) نام یکی از هفت سیاره؛ (۴) نام

خاص. نیز ← **𐭥𐭥𐭥𐭥** **𐭥𐭥𐭥𐭥**، **𐭥𐭥𐭥𐭥** (سے **𐭥𐭥𐭥𐭥**)

ان. ۱۲/۷، ۴/۷۴؛ ب. ی ۳/۱، ۳/۲، ۳/۴، ۲/۷، ۷/۲۸، ۷/۴۶، ۵/۵۶؛ ر. پ ۳/۱، ۱/۱۱، ۳/۱۶۳،

۶/۱۹۴ ← **𐭥𐭥𐭥𐭥** **𐭥𐭥𐭥𐭥**؛ ش. ک ۱۵/۳؛ ک. ا ۳/۱، ۴/۱۲ و ۴/۱۶، ۱۱/۱۶، ۱۱/۳۲، ۴/۵۱،

۱۵/۵۹ و ۱۵؛ گ. ز ۵/۱، ۱/۲، ۱۳/۳، ۱۲/۹، ۱۱/۱۵، ۷/۱۶، ۱۱/۱۱۰ و ۱۳، ۱۶/۱۴۶، ۴/۱۴۸،

۱/۱۶۲؛ م. پ ۹/۴۱، ۵/۶۹، ۱/۱۰۲ و ۱/۲۰۵، ۲/۱۰۵ و ۱۴، ۱۴/۱۰۷، ۱۴/۱۱۱ و ۷؛ م. خ ۷/۷ و ۱۰،

۵/۱۸، ۵/۲۷، ۹/۳۲، ۲/۴۰، ۸/۴۱، ۱۱/۴۵، ۶/۴۶، ۲/۴۷؛ ی. ف ۳/۲۱۴، ۱/۲۴۲

نکته ۲. هریک از اجزای تشکیل‌دهنده ترکیبهای اسمی، اگر به‌طور مستقل در متنها به‌کار رفته باشد، جداگانه به‌صورت مدخل کامل تعریف می‌شود، وگرنه به‌صورت مدخل صفر تنها شامل ارجاع به مدخل کامل خواهد بود.

۱. گاهی تشخیص مرز معنایی بین **𐭥𐭥** (-ān) به عنوان نشانه جمع و **𐭥𐭥** (-ān) به عنوان نشانه صفت فاعلی یا قید، دشوار و حتی غیرممکن است؛ مانند **𐭥𐭥𐭥𐭥** (mēnōgān) که در متن، تمیز دو معنای «مینویان» و «مینوی» برای آن دشوار است.

زرین، طلایی؛ گرانبها، پرارزش (صفت برای سخن). نیز ← **زرین** - **کسر**

ا.ن ۵/۶، ۴/۲۳؛ ب.ی ۵/۲، ۷/۳، ۷/۱۱، ۶/۱۲؛ ر.پ ۶/۱۶۰ (م. **کسر** ۱۶۰)، ۸/۱۶۰؛ ک.ا ۱۶/۱۴ و ۲؛ گ.ز ۱۱/۱۵۵، ۵/۱۶۱، ۴/۱۶۳؛ م.پ ۱۶/۱۱۳

zarrēn-kard

کسر ۱۶۱۹

زرساخت، ساخته از زر یا زرنشان و زرین

ا.ن ۸/۱۵، ۵/۱۷-۶؛ گ.ز ۹/۱۲۷

صفت تفضیلی با نشانه **د** (-tar) و صفت عالی با نشانه **ت** (-tom) ذیل صفت ساده آمده‌اند. هرگاه واژه‌ای تنها یک بار و به صورت صفت تفضیلی آمده باشد، در این صورت نیز سرمدخل نمی‌شود، بلکه ذیل صفت ساده خود قرار می‌گیرد.

zōr

مثال: **د** / **د**

زور، نیرو. نیز ← **د**، **د**

م.پ ۱۱/۱۶۴؛ م.خ ۸/۶۸، ۹/۱۵۰

zōrōmand

د

زورمند، نیرومند

zōrōmandtar

د

زورمندتر، نیرومندتر، صفت آتش

ش.ک ۲۰/۴ (شاید zōhrōmandtar باشد)؛ م.خ ۶/۶۴

پ. ضمیر

در زبان فارسی میانه انواع ضمیر عبارت است از: شخصی (منفصل و متصل)، اشاره، موصول، استفهام، مشترک و نامعین (تفضلی، ۱۳۷۳: ۵۸ و ۵۹). تمامی این ضمایر، به صورت مدخل کامل تعریف شده‌اند و اگر ترکیب آنها با ضمایر شخصی متصل نیز در متن وجود داشت، جداگانه به صورت مدخل کامل آورده شد.

kē

مثال: **ک**

که (موصول، حرف ربط)، کس، هر کس، تا، تا آنکه، به منظور آنکه، هرکه، هرآنکه، هر کس که (با ضمائر می آید)

ان. ۹/۳ و ۱۲، ۲/۵ و ۴؛ ش. د. ۱۲/۲، ۲/۳ و ۱۰؛ ک. ا. ۵/۱، ۱۴/۹؛ م. پ. ۴/۶۹، ۱/۶۸

kē-š

که او را

که او را

ان. ۳/۱۳؛ ش. د. ۱۸/۳، ۱۹/۳۴

kē-šān

که آنها را

که آنها را

ان. ۱/۱۳، ۱/۱۵، ۱۱/۶۲؛ ش. د. ۱۶/۵

استثنا: در زبان فارسی میانه، ضمیر موصولی **کد-** (ī-) هیچ‌گاه به تنهایی نمی آید، بلکه همیشه پیش از ضمیرهای شخصی متصل قرار می گیرد. به همین دلیل ترکیبهای آن با ضمیر، جداگانه مدخل نشده، بلکه ذیل مدخل **کد-** آمده است.

ī-

مثال: **کد-** / **کد-** / **کو-**

موصول که، به ضمائر می چسبند.

ī-š

کوسد

که + **ش**، که او

ش. ک. ۴/۳ (م. **کوسد**)، ۲۰/۴، ۷/۱۰، ۶/۱۱ و ۱۰/۲۸؛ ک. ا. ۷/۴۳؛ م. خ. ۱۰/۲۷، ۷/۴۵، ۹/۵۵

ī-t

کومت

که + **ت**، که تو

م. خ. ۷/۲۵، ۱۱/۳۱، ۱/۱۲۰

ī-tān

کومتان

شما، که + **تان**، که شما

م. پ. ۱۶/۱۱

و او

ر.پ ۵/۲۳، ۱۰/۳۷؛ ی.ف ۹/۲۰۸

u-šān

۳۳۳۳

و آنها

گ.ز ۹/۱

چند نکته:

نکته ۱. هرگاه حرف با اسم، ترکیبی مستقل و بامعنی ساخته باشد، به صورت مدخل کامل تعریف می شود.

andarzamān

مثال: ۳۳۳۳

درزمان، بی درنگ، فوراً

ش.د ۱۶/۴، ۱/۵ و ۲، ۵/۹

نکته ۲. ترکیب حرف با فعل، ذیل فعل آمده و در مدخل آن حرف به فعل ارجاع داده شده است.

ث. فعل

فعل در واژه نامه به صورت مدخل کامل تعریف می شود و سرواژه شامل مصدر و ماده مضارع است؛ صورت صرف شده فعلها به شکلی که در متون به کار رفته است، به صورت زیرمدخل، ذیل مصدر می آید.

صورت صرف شده فعلها شامل تمامی اطلاعات مدخل کامل، یعنی املا، آوانویسی، معنی و ارجاع به متن است و ترتیب قرارگیری آنها نخست بر پایه زمان فعل (به ترتیب: امر، مضارع و ماضی) و سپس بر پایه ساختار فعل (به ترتیب: ساده و پیشوندی، مرکب و عبارتهای فعلی) است. چند نکته:

نکته ۱. هرگاه صورت مضارع و امر فعل در متون نیامده باشد، در سرواژه مدخل، تنها مصدر فعل (بدون ماده مضارع) آورده می شود.

zādan

مثال: ۱۱۳۳

زادن، تولد یافتن

ک.ا. ۱۰/۴۶

کلسا، کلسا-

zādan, zāy-

زادن، تولد یافتن و به دنیا آمدن؛ پدید آمدن و به وجود آمدن؛ به دنیا آوردن فرزند، وضع

حمل کردن، تولد

ک.ا. ۵/۵

نکته ۲. هرگاه شناسه یک صیغه فعل با صورتهای املائی گوناگون در متون آمده باشد، همه صورتهای به ترتیب الفبایی در واژه‌نامه آورده می‌شود.

(sāzam)

مثال: ساژم

(sāzēm)

سازم

(sāzom)

سازم

فهرست منابع

برگیزه‌های فرهنگ جامع فارسی میانه. طرح پژوهشی در دست چاپ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

آموزگار، ژاله و احمد تفضلی (۱۳۷۳)، زبان پهلوی، ادبیات و دستور آن، تهران، معین.
بختیاری، آرمان (۱۳۸۰)، «فرهنگ‌نگاری در ایران باستان»، نامه ایران باستان، سال اول، شماره دوم، صفحه‌های ۱۷-۳۲.

بهار، مهرداد (۱۳۴۵)، واژه‌نامه بندهش، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
بهار، مهرداد (۱۳۵۱)، واژه‌نامه گزیده‌های زادسپرم، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
تفضلی، احمد (۱۳۷۸)، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، به کوشش ژاله آموزگار، تهران، سخن.

خطیبی، ابوالفضل (۱۳۸۶)، «فرهنگ جامع زبان فارسی، بیکره در فرهنگ‌نویسی فارسی و بیکره زبانی رایانه‌ای»، مجله فرهنگ‌نویسی، ویژه‌نامه فرهنگستان، دوره اول، شماره اول، صفحه‌های ۴-۶۷.
شریفی، ساغر و پروانه فخام‌زاده (۱۳۸۶)، «مدخل‌گزینی در فرهنگ عمومی یک‌زبانه»، فرهنگ‌نویسی، ویژه‌نامه فرهنگستان، دوره اول، شماره اول، صفحه‌های ۱۰۱-۱۲۴.

فرهوشی، بهرام (۱۳۴۶)، فرهنگ زبان پهلوی، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
مشکور، محمدجواد (۱۳۴۶)، فرهنگ هزوارشهای پهلوی، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.

مشکور، محمدجواد (۱۳۶۵)، واژه‌نامه شایستن‌شایست، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
مکنزی، د. ن. (۱۳۸۸)، فرهنگ کوچک زبان پهلوی، ترجمه مهشید میرفخرایی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

وهمن، فریدون (۱۳۵۵)، واژه‌نامه ارتای‌ویرازنامک، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
هاشمی میناباد، حسن (۱۳۸۶)، مجموعه مقالات فرهنگ‌نگاری، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

Hartmann, R.R.K. & G. James. 1998. Dictionary of Lexicography. London & New York.

MacKenzie, D.N. 1971. A Concise Pahlavi Dictionary. London.

Nyberg, H. S. 2003. A Manual of Pahlavi. Tehran: Asatir.